

## زیر سوال بردن تاریخ با «حشاشین»؛ تلنگر جدی به سریال سازان



شناسه خبر: ۱۴۱۱۶۸ جمعه ۳۱ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۲:۵۹

هر زمان که کمپانی‌ها و مراکز فیلمسازی و سریال‌سازی کشورهای دیگر درباره شخصیت‌های تاریخی ایران اثر نمایشی‌ای را خلق می‌کنند یک زنگ خطر دیگر به صدا درمی‌آید.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، این روزها سریالی به نام «حشاشین» در کانون توجه منتقدان داخلی و خارجی قرار گرفته که در وهله اول نشان می‌دهد کشورهای منطقه تأثیرگذاری تجاری، مالی و اجتماعی و فرهنگی ساخت سریال و فیلم را به خوبی درک کرده‌اند و شکل‌گیری برخی فستیوال‌ها و جشنواره‌های مرتبط در این زمینه و البته سرمایه‌گذاری گسترده در ساخت شهرک‌های سینمایی برای تولید پروژه‌های مشترک با کشورهای پیشرفته در صنعت سینما مشهود است.

البته نکته جالب توجه اینجاست که این کشورها ساخت سریال با محور تاریخ کشورهای مختلف همسایه خود علاوه بر ساخت سریال براساس اسطوره‌های تاریخی خود را دستور کار قرار داده‌اند و جای تردید نیست تمدن کشورمان ایران نیز دستمایه برخی از این تولیدات شده است، روزی غربی‌ها با فیلم «300» دست به کار می‌شوند و تاریخ ایران را به گونه‌ای دیگر (تحریف‌آمیز) روایت می‌کنند و امروز هم «حشاشین» متولد می‌شود.

به این ترتیب رمضان سال 1445 هجری قمری درحالی هفته گذشته به پایان رسید و مسلمانان سراسر جهان با برگزاری مراسم عید سعید فطر تا سال آینده باید منتظر پهن شدن سفره ماه ضیافت الهی باشند که هنوز بحث و بررسی سریال‌های رمضانی در ایران و سایر کشورها همچنان پابرجاست؛ سریالی‌هایی که عموماً ساخته می‌شوند تا در ایام ماه مبارک به نوعی علاوه بر رونق شب‌نشینی‌های این ضیافت الهی بتوانند پیام‌های مختلفی را به مخاطبان خود منتقل کنند.

از این رو تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های این سریال‌ها که عموماً در 15 یا 30 قسمت تولید می‌شوند، نیز اگرچه تاکنون تلاش داشتند به نوعی از این ظرفیت برای انتقال پیام‌های عرفانی، مذهبی یا اخلاقی استفاده کنند، اما مدتی است که می‌بینیم برخی کشورها از این قاعده خارج شده و در حال بهره‌بردن از ماه مهمانی خدا برای زیر سؤال بردن تاریخ، تمدن و شخصیت‌های برجسته کشورهای دیگر از جمله ایران اسلامی رفته‌اند.

این اتفاق اگرچه قبلاً در صنعت سینما و هنر هفتم هالیوودی با ساخت پروژهای سنگین تاریخی مثل فیلم 300 یا موارد مشابهی از این دست آغاز شده بود اما واقعیت امر این است که حداقل طی یک دهه گذشته این روند در بخش سریال‌سازی با ساخت برخی سریال‌های اکشن امنیتی - نظامی مثل فائودا و تهران از سوی کمپانی نتفلیکس رونق قابل توجهی گرفته است و رمضان امسال نیز مصری‌ها برای به چالش کشیدن "حسن صباح" در تاریخ باستان کشورمان دست به کار شده‌اند و سریالی با نام حشاشین (قاتلین) را روانه جعبه جادو کردند که اتفاقاً این سریال در میان کشورهای عرب‌زبان مخاطبان قابل توجهی به خود دید.



این درحالی است که قبل از هرچیز این نکته باید یادآوری شود که در استانداردهای بالای ساخت و ارزش سینمایی و سناریوی این سریال کمتر می‌توان نقطه ضعف دید، اما پرداختن به حسن صباح و فرقه اسماعیلیه توسط یک کمپانی عربی خیلی موضوع پیش‌پاافتاده‌ای نیست که خیلی راحت بتوان از کنار آن رد شد.

هرچند این سریال در نگاه اول سعی کرده روایتی از زندگی حسن صباح و ترکان سلجوقی و فرقه اسماعیلیه را به تصویر بکشد، اما به شکلی ناشیانی این روند تاریخی را بدون درنظر گرفتن فواصل معنادار میان دوران زندگی شخصیت اصلی با برخی شخصیت‌های مطرح شده مثل عمر خیام و خواجه نظام الملک را بهم مرتبط کرده که می‌تواند نقطه عطف شکل‌گیری سئوالی باشد که اصولاً؛ چرا باید کشور دیگری تاریخ ما را آنهم کاملاً ناشیانه روایت کند؟

با نگاهی به جریان سریال‌سازی کشور می‌توان شاید نکته اول اینجاست که کم‌کاری را در بخش‌های مختلف تولید فیلم و سریال برای شخصیت‌های تاریخی ایران زمینه ورود سایرین با اندک اشتراکی که با تمدن ایران باستان داشتند فرصت روایتگری به دست آورده‌اند. آمار بالای ساخت سریال درباره دوران قاجاریه و غفلت از مقاطع دیگر تاریخی که

نیازمندیم درباره آنها با روایتی ایرانی حقایق گفته شود، که تاکنون خبری از این محصولات نیست.

هرچند می‌توان خلاء توجه به رویدادهای معاصر خارج از مرزهای کشورمان نیز اشاره کرد، به عنوان مثال روزی این انتقاد مطرح می‌شود چرا درباره حقایق جنایت‌های اسرائیل و نبرد چند ساله مردم مظلوم فلسطینیان، کاری در خور از سوی کشورمان ساخته نمی‌شود و به همان تولیدات قبلی‌ها بسنده شده که حالا بگوییم درباره روایت تاریخ ایران چه کرده‌ایم؟

بعد از سال‌ها درباره دوران صفویه، «مهیاری عیار» در حال آماده‌سازی است که به آنتن تلویزیون برسد. دورانی که همیشه مغفول مانده و سریال و فیلمی درباره‌اش ساخته نشده است. گویی کارگردانان ایرانی بیشتر علاقه‌مند درام‌پردازی در تاریخ قاجاریه و پهلوی‌اند و دیگر بخش‌های تاریخی مهم و معرفی چهره‌ها و شاخص‌های آن دوران را در نظر نمی‌گیرند! البته که در کارنامه و سوابق سریال‌ها و فیلم‌های تاریخی یک حقیقت انکارناپذیر است.

به این ترتیب ماجرای حسن صباح و فرقه اسماعیلیه لازم به روایت بود که این کار را کشوری دیگر غیر از ایران انجام داد. همچون برخی روایت‌های تاریخی دیگر؛ اگرچه که روایت در مورد همین تروریستی بودن عملیات و کشتن مخالفان و نیت و انگیزه فداییان حسن صباح متفاوت و شنیدنی است.

درباره حسن صباح، مثل همه اسطوره‌ها و نامداران تاریخ، روایات متفاوت و متضاد هستند. عده‌ای او را مصلحی آزاداندیش می‌دانند که بر خلفای عباسی و بر ترکان سلجوقی شورید و به دنبال استقلال و عدالت و جامعه‌ای مرفه بود. برخی هم او را یک مذهبی تندرو می‌دانند که برای رسیدن به مقاصد و جاه‌طلبی‌هایش هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناخت و همه را فدا می‌کرد.

شاید حکایت مارکوپولو درباره فرقه اسماعیلیه و «باغ مخفی بهشت»‌شان تأثیر جدی بر تصورات و نوشته‌های پس از او داشته باشد، چون مارکوپولو در توصیفاتی دروغ‌پردازانه و اغراق‌آمیز از باغ‌هایی می‌گوید که سربازان حسن صباح در آن به لذت‌جویی و مصرف مخدر می‌پرداختند؛ حکایت‌هایی که «حشاشین» برگرفته از آن ساخته شده است.

حال اگر از موضوع صحیح بودن یا نبودن روایت مطرح شده در این سریال بگذریم که البته به استنادهای غیرقابل انکاری نقدهایی به آن وارد شده و به گفته بسیاری از منتقدان روایت مطرح شده در این سریال از سوی کارگردان تنها واقعیت بخشیدن به رویاپردازی‌های مارکوپولوی ایتالیایی از روایت‌هایی است که خود او از برخی افراد در منطقه الموت ایران شنیده و به رشته و تحریر در آورده است.





نکته اصلی اینجاست که انگار درست زمانی که ایران در حال برنامه‌ریزی برای ساخت سریال‌های الف ویژه‌ای مثل مختارنامه بوده برخی کشورها بیکار ننشسته‌اند و برای ضعیف جلوه دادن شخصیت‌های ایران باستان سناریو نوشته‌اند و شاهد مثالش هم همین سریال حشاشین یا قاتلین است که زنگ خطری بسیار بلند را برای مسئولان مربوطه به صدا می‌آورد که بد نیست به دو نکته اساسی توجه ویژه داشته باشند که عبارت است از

الف) نباید چهره‌های مشهور تاریخی کشورمان را به حال خود رها کنیم؛ چون تجربه نشان داده هرچه در زمینه تولید محتوا با قالب‌های مختلف فرهنگی برای چهره‌های شاخص تاریخی، مذهبی و ... کشورمان سرمایه‌گذاری کنیم بازهم کم است، چون چنین شیطنت‌هایی کاملاً مشهود و قابل لمس در حال شکل‌گیری است تا با ضربه زدن به جایگاه این افراد تمدن و تاریخ ایران زمین را تحت تاثیر قرار دهند.

ب) توجه به مخاطبان خارجی؛ در این زمینه هم تاجایی که می‌بینیم کارگردان‌ها و تولیدکنندگان فیلم و سریال در کشورمان معمولاً صد درصد توان و توجه خود را مخاطبان داخلی قرار داده‌اند تا بتوانند براساس سلیقه و نیاز این گروه اقدام به تولید کرده باشند که فی‌نفسه کاملاً صحیح و دقیق است اما امروز با درنظر گرفتن حرکت نا درستی برخی

علیه تاریخ و تمدن کشورمان با تولید فیلم و سریال بجاست که کمی هم ما به مخاطبان خارجی برای انتقال فرهنگ اصیل کشورمان توجه داشته باشیم و صرفاً به ترجمه آثار تولید شده وطنی اکتفاء نکنیم.

البته الان هم دیر نشده، فیلمسازان علاقه‌مند به تاریخ می‌توانند حقایق مستند تاریخی را در قالب سریال که امروز مورد علاقه نوجوانان و نسل جوان است در معرض نگاه قرار دهند. خود این روایت‌ها باعث می‌شود آنها (جوانان امروز) بتوانند قضاوت درست‌تر و بهتری نسبت به وقایع تاریخی داشته باشند.

هرچند در این میان اتفاق دیگری هم افتاده و آن تولید زود هنگام این سریال است. سریالی تاریخی با این همه پروداکشن و لوکیشن و بازیگر حتماً نیازمند چند سال تولید است. اما این‌طور نیست! چون مصری‌ها با استفاده از فناوری‌های جدید ساخت سریال توانستند چند ماهه "حشاشین" را به سرانجام برسانند. اتفاقی که در دیگر سریال‌ها و فیلم‌های بین‌المللی که ساخته می‌شود هم می‌افتد و دقیقاً در چنین شرایطی ما چندین سال است درگیر ساخت سریال «موسی‌(ع)» و «سلمان فارسی» هستیم که حداقل در چند سال آینده برای تماشای مخاطبان آماده می‌شوند.

اما چرا می‌گوییم وقتی چنین سریال‌هایی مانند (حشاشین) ساخته می‌شوند باید نگران شد؟ به این خاطر است بخش عمده‌ای از این سریال به شخصیت‌های ایرانی برمی‌گردد (می‌توان گفت، تم سریال ایرانی است) اما فضای آن شعرها و ضرب‌المثل‌ها، لباس‌ها و فضاها، کاملاً متفاوت با تم ایرانی است. این آن چیزی است که مخاطب ایرانی را بجز تحریف‌های آشکار تاریخی در روایتگری آزار می‌دهد. اگر این تصاویر را ایرانی‌ها می‌گرفتند چقدر باورپذیرتر و واقعی‌تر می‌شد؟

فرای این اتفاقات، اشکالات تاریخی زیادی هم در آن به چشم می‌خورد. هرچند ادعای سریال این است که از ماجراهای واقعی برداشت شده اما همان‌طور که قبلاً اشاره شد مثلاً رابطه حسن صباح با نظام‌الملک و خیام که همان داستان معروف جعلی است یا مخاطب با تماشای این سریال متوجه نمی‌شود بالأخره حسن صباح چطور تغییر ماهیت می‌دهد. شاید این‌طور بتوان گفت که سازندگان سریال به سبک برخی از روایت‌های نمایشی تاریخی دیگر، برای جذاب کردن داستان، برایشان «تاریخ» خیلی اولویت نبوده.

و اما سخن پایانی اینکه بدون تردید نباید موضوع همذات‌پنداری مخاطبان با کاراکترهای سریال‌ها را نادیده گرفت، چون قطعاً استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های روز سینمایی می‌تواند مفهومی را در ذهن مخاطبان ثبت کند که اگر نادرست باشد برای اصلاح این ذهنیت ثبت شده باید هزینه سنگینی را خرج کنیم که بعضاً حتی اثرگذار هم نیست و همان ذهنیت اشتباه تا آخر در ذهن‌ها می‌ماند.

پس امروز این نکته با پخش سریال حشاشین "قاتلین" از سوی برخی شبکه‌های ماهواره‌ای در منطقه کاملاً واضح شده؛ شاید وقت آن رسیده که ساخت سریال‌های فاخر درباره میراث ملموس یا ناملوس ایران را برنامه‌ریزی کنیم تا مبدأ این شخصیت‌ها با چهره‌ای غیرواقعی در ذهن مخاطبان خارجی یا حتی داخلی کشورمان تثبیت نشوند.

انتهای پیام/

انتهای پیام/